

TOEFL iBT Exam Experience, 11 September 2016

Amir Hossein and Nadia

سلام،

ما دیروز، ۲۱ شهریور ۱۳۹۵، در مرکز امیربهدار امتحان تافل رو دادیم. از امتحان راضی بودیم و منتظریم نتیجه‌اش بیاد. این فایل شامل تجربه‌های ما در مدتی که برای تافل درس خونیدیم هست و برای کسانی که توی چند وقت اخیر قصد دارن تافل بدن می‌تونه مفید باشه.

فهرست

- 1..... ریدینگ:
- 2..... لیسنینگ:
- 4..... اسپیکینگ:
- 5..... رایتینگ:
- 6..... نکات کلی آزمون (خیلی مهم):

ریدینگ:

در کل ریدینگ‌ها آسون بودن نسبت به TPOها. در کل 42 تا سوال 13 تاش لغت بود! که خیلی زیاده و نکته‌ی خیلی خوبی بود. لغت‌ها اکثراً روتین بودن به غیر از یکی دو تا که اون‌ها رو هم حدودی می‌شد حدس زد.

1. متن اول در مورد نقاشی‌های توی یک غار بود. اگه علاقه داشتید اینجا کاملش رو بخونید:

<http://www.artchive.com/artchive/C/cave.html>

2. متن دوم در مورد شهرهای در دوران اروپای قرون وسطی بود. از اینجا گرفته شده بود:

<http://www.timemaps.com/civilization/Medieval-Europe>

3. متن سوم هم در مورد نورپردازی توی موزه‌ها بود و این که باید نور در یک سطح مینیمومی

قرار بگیره که اجناس توی موزه آسیب نبینن.

لیسنینگ:

لیسنینگ‌ها کاملاً در سطح TPO های 40 تا 48 و بلکه آسون‌تر بودن. چیزی که خیلی مارو خوشحال کرد این بود که لیسنینگ لانگ بود توی امتحان ما و جواب سوال‌های ست آخری لیسنینگ رو از قبل می‌دونستیم (ریدینگ لانگ واقعا عذابه!)

1. Conversation اول: یه مقدار ساختارش جدید بود. یه دانشجو رفته بود پیش پروفیسور زیست‌شناسیش تا در مورد سوالی که توی یه محیط کاری براش مطرح شده بود نظر بپرسه: چرا برگ درخت‌ها می‌ریزه؟ بعدش پروفیسوره توضیح داد که یه هورمونی توی درخت‌ها وجود داره که تو فصل پاییز ترشح می‌شه و باعث افتادن برگ‌ها می‌شه. در ادامه پروفیسور به دانشجو گفت چرا نمیای گرایش زیست کلا؟ اون هم گفت من ترم اولم و به خیلی از درس‌ها علاقه‌مندم.

2. Lecture اول: در مورد این بود که Stream of Consciousness چیه و چطور وارد ادبیات شده و خصوصیاتش رو توضیح داد. در نهایت با یه مثال از کارهای Shakespeare یه شباهتی بین Monologue های نمایشنامه‌ها و این نوع داستان‌های ادبیاتی رو نشون داد. نسبتاً دشوار بود.

3. Lecture دوم: در مورد Shore Birds بود و اینکه چطور جمعیت به این بزرگی (بیشتر از یک میلیون) از این حیوونا تو یه ساحل کوچیک کنار هم زندگی می‌کنن. پروفیسور در مورد دو نوع از این پرنده‌ها (Dunlin و Dowitcher) صحبت کرد که هرچند در یک مکان زندگی می‌کنن، نوع و نحوه‌ی غذا خوردنشون متفاوته. در ادامه هم نتیجه‌گیری کرد و بحث تموم شد.

4. Conversation دوم: مشکل دانشجو این بود که به Deadline ثبت‌نام خوابگاه دانشگاه نرسیده بود. به خاطر همین، دانشگاه همینجوری شانسی یه اتاق به طرف داده بود. حالا مشکل این بود که اتاق این آقا کوچک بود و وقتی به بقیه دانشجویهای خوابگاه که اتاق‌های بزرگتری داشتن گفت چرا اینطوریه، اونا گفتن ما زودتر اومدیم و بنابراین اتاق بزرگ‌ها مال ماست. این دانشجو هم اومده بود پیش مسئول خوابگاه‌ها و مسئول براش توضیح داد که

چنین قانونی وجود ندارد و تمام دانشجوها به یک اندازه سهمیه هستند در مقدار فضای خوابگاه و اگر کسی ناراضی باشد باید اتاقها به صورت چرخشی عوض بشه.

5. Lecture سوم: استاد در مورد این صحبت می کرد که چطوری Exoplanet ها (سیاراتی که مثل زمین دور یک ستاره می چرخند) رو کشف کردن و بعد گفت نور زیادی که ستاره داره باعث می شه Exoplanet رو به سختی بشه با تلسکوپ دید. بعد دو تا روش توضیح داد که باهاشون تونستن این سیارات رو درست ببینن و تعداد زیادیشون رو کشف کنن. در روش اول که Adaptive Optics نام داره، میان یک جسم سیاه رو دقیقا روی محلی قرار می دن که ستاره ی پرنور قرار داره. به این ترتیب، Exoplanet رو تقریبا خوب می تونن ببینن. در توضیح روش دوم پروفسور توضیح داد که نورهایی که به زمین می رسه به خاطر این که قبلش از اتمسفر کره ی زمین رد شده دچار شکست می شن و به همین خاطر ما سیارات و ستارات رو به صورت چشمک زن توی آسمون می بینیم. با تکنولوژی Coronagraph این مشکل رو حل کردن و تونستن Exoplanet ها رو خیلی صاف ببینن. بعد یه مدل پیچیده از این Cronograoh ها به اسم Vortex Cronograph رو تازه ساختن که کلا باعث شده کشف و شناسایی این سیارات آسون بشه.

6. Lecture چهارم: استاد درمورد این صحبت می کرد که کسایی که Metacognitive Ability خوبی دارن (یعنی خودشون رو درست قضاوت می کنن) یک قسمتی از جلوی مغزشون فعال تره. یک مثالی هم زد از دو تا گروه که با یکسان سازی شرایط، اومدن این توانایی رو توی افراد این دو گروه بررسی کردن و نشون داده شده که فرضیه ی بیان شده توسط پروفسور درسته.

اسپیکینگ:

1. سوال اول: راجع به یک اشتباه مشترکی که معلم‌ها دچارش می‌شن توضیح بدین.
2. سوال دوم: وقتی بچه بودید، دوست داشتید بیرون از خانه بازی کنید یا توی خونه؟
3. سوال سوم: متن می‌گفت باید جلسه‌های معارفه‌ای که برای دانشجویهای جدیدالورود گذاشته می‌شه حذف بشن چون هم دانشجویها اطلاعات رو فراموش می‌کنن و هم اینکه اطلاعات توی سایت دانشگاه موجوده. دانشجویی که صحبت می‌کرد مخالف بود و گفت بعضی از اطلاعاتی که توی این جلسه‌ها می‌دن برای دانشجویها واقعا مفیده و همچنین هیچ دانشجویی خودش نمی‌ره سایت دانشگاه رو بخونه.
4. سوال چهارم: متن Hindsight Bias رو تعریف کرده بود به این معنی که نتیجه‌ی اعمال معمولا افراد رو تحت تاثیر قرار می‌ده و باعث می‌شه فکر کنن واقعا می‌خواستن همین نتیجه رو بگیرن. پروفسور در مورد دوستش صحبت می‌کنه که یک کتاب رمان نوشته ولی اصلا امیدی نداره که جایی چاپ بشه. بعد از یه مدتی کتاب چاپ می‌شه و اتفاقا موفق هم می‌شه. دفعه‌ی بعدی که پروفسور دوستش رو می‌بینه متعجب می‌شه چون اون نویسنده می‌گه من همیشه می‌دونستم این کتابم می‌ترکونه!
5. سوال پنجم: پسر دانشجو کیبوردی که قرار بوده باهاش توی کنسرت هفته‌ی آینده بنوازه خراب شده و باید یه کاری بکنه. یا می‌تونه یه دست دوم بخره که ارزونه ولی کیفیت صداش خوب نیست، یا اینکه پولی که برای مسافرت با دوستاش کنار گذاشته رو خرج یه کیبرد جدید بکنه و دوستاش رو بیخیال بشه هرچند ممکنه ناراحت شن و حتی نتونن برن سفر چون قرار بوده مخارج سفر رو تقسیم کنن).
6. سوال ششم: پروفسور در مورد دو تا از شرایطی که محل نگه‌داری تلسکوپ‌ها باید دارا باشند صحبت می‌کنه: یکی این که آلودگی نوری کم باشه توی محیط تا آسمون شب کاملا تاریک دیده بشه. مثال این مورد هم ساختن تلسکوپ دور از شهرهاست تا اینکه منبع نور نزدیکشون نباشه. دومین شرط هم کم بودن رطوبت هواست. مثلا توی کویر که هوا خشکه، کار با تلسکوپ خیلی راحت‌تره چون هوا کاملا صافه.

رایتینگ:

Integrated Writing: در مورد این بود که تحقیقات علمی نشون می‌دن که اجداد حیوان‌های زیادی که توی ماداگاسکار وجود داره در حقیقت یک سری حیوان از آفریقا بودن که بین ۲۰ تا ۶۰ میلیون سال پیش روی تیکه‌های چوب سوار می‌شدن و روی آب دریا شناور می‌شدن تا برسن به ماداگاسکار. سه تا دلیل مخالفت با این تئوری:

- این که یه حیوون روی چوب قرار بگیره و بتونه مسافت طولانی بین دو منطقه رو طی کنه خیلی بدیع به نظر می‌رسه. همچنین، به خاطر این که نسل حیوانات در ماداگاسکار انقدر گسترده شده، احتیاج بوده که چند تا از این حیوونها به ماداگاسکار برسن که باز هم احتمال رو کمتر می‌کنه. نکته‌ای که توی لیسنینگ پروفیسور اشاره کرد این بود که تحقیقات نشون داده نسل تمام موجودات ماداگاسکار برمی‌گرده به ۴ نوع حیوان. پس کافی بوده ۴ تا حیوان از دریا عبور کنن. همچنین، توی ۴۰ میلیون سال اتفاق‌های خیلی نادر هم ممکنه بیفتن.
- متن می‌گفت جهت موج‌های دریا نزدیکی سواحل آفریقا الان درخلاف جهت ماداگاسکاره پس احتمال نداشته که چوب‌ها از آفریقا از طریق دریا به ماداگاسکار برسن. پروفیسور می‌گه که نباید الان رو دید، باید تحقیق کرد که زمان‌های قدیم امواج به کدوم سمت بودن. بعد ادامه داد که امواج به سمت ماداگاسکار بوده اون زمان.
- متن توضیح می‌داد که این حیوونا قادر نبودن توی سفرهای دریایی که ممکن بوده ۳ هفته یا بیشتر طول بکشن بدون خوردن هیچ غذایی دووم بیارن. اما پروفیسور می‌گه که نشون داده شده حیوون‌های اون زمان دارای ویژگی **Torpor** بودن که به معنی یه حالتی هستش که در اون، حیوان کمترین انرژی رو مصرف می‌کنه و متابولیسم بدنش رو کم می‌کنه و زنده می‌مونه.

Independent Writing: موافقید یا نه؟ طبق کتاب‌هایی که مردم می‌خونن یا فیلم‌هایی که تماشا می‌کنن می‌شه از اون‌ها چیز یاد گرفت. سوال سختی بود ولی خوشبختانه این سوال از موضوعاتی که آقای اعلانی توی کانالشون گذاشته بودن بود و ما قبل از امتحان **Brain Storm** کرده بودیم این موضوع رو.

نکات کلی آزمون (خیلی مهم):

- این که چه مدت و روزی چند ساعت برای تافل درس بخونید فقط و فقط به خودتون بستگی داره. یکی از دوستان ما همین جوری صبح پاشد رفت تافل داد، نمره اش ۱۰۸ شد. یکی دیگه هم یک سال خوند و زیر ۸۰ شد. سعی کنید به جای تمرکز روی مقدار مطالعه، نقطه ضعفهاتون رو پیدا کنید و کیفیت مطالعه تون رو بالا ببرید.
- اگه بیشتر از ۳-۴ ماه وقت دارید برای خوندن،

1. کلاس آقای اعلائی رو ثبت نام کنید. ایشون بهتون یک فرصت خیلی خوب می ده که کاملا با تافل آشنا بشید و از همه چیز مهم تر، اعتماد به نفستون رو بالا ببرید. فایل هایی که در اختیارتون می ذاره واقعا مفید هستن. برای مثال، تایپیک هایی که به ما داده بودن یکیش عینا بدون هیچ تغییری توی امتحان اصلی مون اومد. کارش درسته آقای اعلائی.

2. سریال ببینید که لیسنینگ تون قوی شه. با زیرنویس انگلیسی شروع کنید و سعی کنید کم کم بدون خوندن زیرنویس بفهمید چه اتفاقی داره می افته توی سریال. بهتره برای تمرین زبان سریال کمدی ببینید چون توی این سریال ها جزئیات معمولا مهم نیست و می تونید حدودا بفهمید جریان چیه. سریال های قشنگی که ما پیشنهاد میکنیم: ... How I Met Your Mother, Friends,

3. شروع کنید ریدینگ و لیسنینگ TPO ها رو بنزید. رایتینگ و اسپیکینگ اونقدر تمرکز لازم نداره توی این مدت.

4. لغت های Hardworkers رو شروع کنید به خوندن. اگه همه ی 1800 تا لغت Hardworkers رو یاد بگیرید واقعا تافل آسون می شه براتون. چند وقت پیش ما خودمون این لغت ها رو توی ممرایز قرار دادیم که راحت تر بشه خوند. اگه خواستید شما هم می تونید اپلیکیشن ممرایز رو دانلود کنید و از این مجموعه استفاده کنید:

<http://www.memrise.com/course/1173232/toefl-ibt-vocabulary-for-hardworkers>

(راهنمای استفاده: <https://telegram.me/aalaeTOEFLiBT/629>)

- اگه يکي دو ماه مونده به امتحانتون،

1. سعی کنید اسپیکینگ و رایتینگ رو بیشتر کار کنید. برای رایتینگ تمپلیت مخصوص خودتون رو تهیه کنید و انقدر تمرینش کنید تا حفظ بشین. دو هفته‌ی آخر سعی کنید تمام موضوعاتی که توی کانال آقای اعلائی (<https://telegram.me/aalaeTOEFLiBT>) مهم اعلام شده رو تمرین کنید و هر روز یکی‌شون رو بنویسید (اگه هم نرسیدین بنویسین حتما Brain Storm انجام بدین).

2. اگه احتیاج احساس کردید، از بسته‌های رایتینگ و اسپیکینگ آقای اعلائی استفاده کنید. ما خودمون بسته‌ی رایتینگش رو خریدیم و بسیار راضی بودیم چون هم نمره می‌دادن بهمون (کاری که خیلی از مصحح‌های رایتینگ انجام نمی‌دن) هم اینکه دقیق تصحیح میکردن.

- به جوی که بین شرکت‌کننده‌های آزمون وجود داره اصلا توجه نکنید. از اونجایی که آدم‌های زیادی با سطح‌های مختلف تافل می‌دن، خیلی نظرهای متفاوتی می‌شنوید. برای مثال، یک هفته قبل از امتحان ممکنه بشنوید که «سوالا کلا عوض شده» یا حتی «توی سوال ۱ و ۲ اسپیکینگ به گرامر و لغت اصلا کاری ندارن، فقط به Reason‌هایی که گفتی توجه می‌کنن که درست باشه»^۱ و ... اگه حس کردین که به نصیحت احتیاج دارید، از کسانی که واقعا اطلاعات درست دارن سوال بپرسید.

- اگه می‌خواید قبل از امتحان اصلی، بتونید محیط آزمون رو درک کنید، توی امیربهدار امتحان بدید که بتونید توی همون سالن‌های امتحان اصلی، آزمون آزمایشی رو شرکت کنید. ما خودمون هر کدوم ۲ تا آزمون آزمایشی شرکت کردیم و واقعا برامون مفید بود. جدا از این که یه تمرینه براتون، می‌تونید ببینید شرایط آزمون تافل اصلی چه جوریه. برای مثال،

1. تو مدت Break، باید از پله‌ها برید پایین، دستی به آب برسونید، خوراکی بخريد و بخورید و بعد دوباره برید بالا سر امتحان. با توجه به این که باید تو مدت ۱۰ دقیقه همه‌ی این کارارو انجام بدین، اگه امتحان آزمایشی داده باشید می‌تونید تمرین کنید.

¹ True story

2. سر و صدای محیط در مدت **Speaking** و **Writing** ممکنه آزارتون بده. آزمایشی بدید تا حدود این نویز رو بفهمید و بعدا توی خونه، سعی کنید در حضور یک منبع نویز با همون شدت صداتون رو ضبط کنید و رایتینگ بنویسید.

3. نکات ریز تافل رو توی آزمون آزمایشی می‌تونید بفهمید. مثلا، شاید باورتون نشه ولی اون تایمری که در زمان ریدینگ بالای صفحه قرار داره و زمان باقیمانده رو نشون تون می‌ده توی آزمایشی روی اعصاب من [امیرحسین] بود! دلیلش هم این بود که فاصله‌ای که بین تایمر و متن وجود داشت نسبت به TPOها کمتر بود و من وقتی داشتم متن رو می‌خوندم، گوشه‌ی چشمم به اون ساعت می‌افتاد و حواسم پرت می‌شد. وقتی این رو فهمیدم، یک برنامه‌ی **Timer** که زمان رو خیلی گنده نشون می‌داد دالود کردم و موقع زدن TPOها اون تایمر رو می‌داشتم کنار متن. کم کم بهش عادت کردم.

- مدل کیبرد کامپیوترهای سنتر امیربهدار **A4Tech KL-40** هست. اکثر بچه‌ها عادت دارن با کیبرد لپ‌تاپ رایتینگ بنویسن و این باعث می‌شه تایپ کردن براشون توی امتحان اصلی با یه کیبرد متفاوت سخت باشه. مثلا شکل دکمه‌ها متفاوته و شاید دستتون عادت نداشته باشه. ما پیشنهاد می‌کنیم که (اگه امیربهدار امتحان می‌دید) این مدل کیبرد رو تهیه کنید و باهاش رایتینگ بنویسید. ما این کیبرد رو حدود 40 هزار تومن و از پاساژ ایران (نزدیک میدون ولیعصر) خریدیم. یه نکته‌ی دیگه در مورد استفاده از این کیبرد اینه که خیلی صدا می‌ده! ما نوبتی تمرین می‌کردیم: یک بار امیرحسین با کیبرد می‌نوشت و صدای ناشی از کیبرد نادیا رو آزار می‌داد، و یک بار هم برعکس. این‌طوری کاملا به صدای کیبرد عادت کردیم و دیگه توی امتحان اصلی برامون مساله‌ای نبود (توی امتحان، بعضی‌ها چون استرس می‌گیرن خیلی محکم و با سرعت زیاد دکمه‌های کیبرد رو فشار می‌دن که باعث می‌شه صدای زیادی تولید بشه).

- خوراکی نبرید با خودتون سر جلسه. اونجا فقط مجاز هستین آب با خودتون ببرید بالا.